

گالش‌ها در گذر زمان، پنج گفتگو از روستای گالش‌نشین زیارت (استان گلستان، ایران)، گیتی شکری، کارینا جهانی و حسین بارانی، اوپسالا، انتشارات دانشگاه اوپسالا، ۲۰۱۳، ۳۲۵ صفحه انگلیسی و ۱۳۰ صفحه

فارسی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۹

تنوع گسترده قومی و زبانی ایران همواره از اهمیت ویژه‌ای در عرصه مطالعات فرهنگی و زبان‌شناختی برخوردار بوده است. فرهنگ عامه، زبان‌ها و گویش‌های محلی اقوام مختلف، نمونه‌هایی از میراث معنوی این سرزمین هستند که به‌رغم تلاش‌های گسترده در مراکز پژوهشی داخل و خارج از کشور، بخش قابل توجهی از آنها، یا هنوز مطالعه نشده یا نیازمند تحقیق و مطالعه بیشتر است. از نظر علمی، از بین رفتن این گونه‌های زبانی به‌منزله از دست رفتن مجموعه‌ای از داده‌های ارزشمند، به‌عنوان مواد خام مطالعات زبان‌شناختی است، خطری که بسیاری از موارد مرتبط با این زبان‌ها (مانند افسانه‌های عامیانه، ترانه‌های محلی، آداب و رسوم، باورها و سنت‌ها و همچنین سبک زندگی) را نیز تهدید خواهد کرد.

با مرور مطالعات صورت‌گرفته درباره تغییر و مرگ زبان‌ها (گرایمز^۲، ۲۰۰۲؛ کریستال^۳، ۲۰۰۰؛ فسولد^۴، ۱۹۸۴؛ مدرسی، ۱۳۶۸) می‌توان دریافت که عوامل مختلفی نظیر گسترش ارتباطات، رشد شهرنشینی و مدرنیسم، زندگی ماشینی و همچنین مهاجرت‌های گسترده نقش مهمی در تغییر، زوال و مرگ گونه‌های مختلف زبانی داشته و موجب توجه روزافزون به مقوله‌ای به‌نام «زبان‌های در معرض خطر»^۵ در مطالعات زبان‌شناختی شده‌اند. زبان‌هایی که از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار نیستند، معمولاً به‌سادگی از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شوند و از نظر قلمرو کاربردی نیز با سرعت چشمگیری جای خود را به زبان دارای اعتبار

1. Shokri, G.; C. Jahani, and H. Barani (2013). *When Tradition Meets Modernity: Five Life Stories from the Galesh Community in Ziarat, Golestan, Iran*. Acta Universitatis Upsaliensis. Studia Iranica Upsaliensia 21, 325. Uppsala: Uppsala Universitet.

2. B. F. Grimes

3. D. Crystal

4. R. Fasold

5. endangered language

اجتماعی بیشتر، که معمولاً یک زبان رسمی و معیار است، می‌دهند. نداشتن نظام نوشتاری نیز از جمله عوامل مهمی است که خطر انقراض آنها را بیشتر می‌کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ایران از لحاظ تعدد زبانی با داشتن ۶۷ زبان و حدود یک درصد از مجموع زبان‌های دنیا تنوع زبانی قابل توجهی را به نمایش می‌گذارد، تنوعی که با خطر جدی روبروست (گرایمز، ۱۹۹۶؛ نقل در محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۸۹). هنگامی که خطر انقراض یک زبان جدی است، معمولاً دو راهکار در دستور کار قرار می‌گیرد. این دو فرایند «احیای زبان»^۱ و «مستندسازی زبان»^۲ نام دارند. در فرایند احیای زبان، از طریق راهکارهای فرهنگی، آموزشی و سیاسی بر شمار گویشوران یک زبان افزوده می‌شود. اما از آنجا که این روش، زمان‌بر و پرهزینه است، در حال حاضر، اغلب از راهکار «مستندسازی زبان» استفاده می‌شود که پدیده‌ای نسبتاً نوین و انجام‌پذیرتر است (محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۹۳). مستندسازی زبان عبارت است از «ثبت و ضبط وسیع و همه‌جانبه رفتارهای زبانی یک جامعه زبانی مشخص» (هیملمن^۳، ۱۹۹۸: ۱۶۶).

مستندسازی زبان جز با تهیه پیکره‌های^۴ جامع از انواع رفتارهای زبانی آن جامعه امکان‌پذیر نیست، مجموعه‌ای از داده‌ها که علاوه بر زبان‌شناسان برای پژوهشگران فرهنگی، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز بسیار سودمند است. در جریان این فرایند با هسته‌ای مرکزی به نام «پیکره صوتی» (یا تصویری) از زبان مواجهیم که بعدها آوانویسی، تحلیل و ترجمه می‌شود و حاوی اطلاعاتی در مورد محل، افراد، زمینه و بافت رخداد و شکل‌گیری آن پیکره نیز هست (محمودی بختیاری، ۱۳۸۹: ۹۴).

کتاب *گالش‌ها در گذر زمان*، پنج گفتگو از روستای *گالش‌نشین زیارت (استان گلستان، ایران)* با عنوان انگلیسی *رویارویی سنت و مدرنیته*، از جمله آثار پژوهشی است که در سال‌های اخیر به مستندسازی یکی از انواع گویش‌های مناطق شمالی ایران پرداخته است و گیتی شگری، کارینا جهانی و حسین بارانی گردآوری و تألیف آن را برعهده داشته‌اند. این کتاب که در سال ۲۰۱۳ در دانشگاه اوپسالا سوئد، در دو بخش فارسی و انگلیسی، منتشر شده است،

1. language revitalization
2. language documentation
3. N. Himmelmann
4. corpus

به مطالعه و مستندسازی گونه‌ی زبانی و سبک زندگی گروهی از ساکنان مناطق شمالی ایران، موسوم به «گالش‌ها»، اختصاص دارد.

در طول ده سال گذشته، محققان دانشگاه اویسالا فرصت‌های بسیاری برای تعامل با پژوهشگرانی از ایران داشته‌اند که منجر به همکاری‌های بسیار سودمندی، به‌ویژه، در حوزه‌ی مستندسازی زبان شده است. گروه تحقیقاتی در این پژوهش متشکل بود از: گیتی شکری که حدود سی سال سابقه‌ی فعالیت‌های پژوهشی در حوزه‌ی مستندسازی زبان در ایران را دارد، حسین بارانی که در دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان بر روی بوم‌شناسی انسانی^۱ کار می‌کند و رساله‌ی دکتری خود را درباره‌ی گالش‌های بخش‌های شرقی رشته‌کوه البرز نوشته است، و همچنین کارینا جهانی که در حوزه‌ی مستندسازی زبان، به‌ویژه در میان بلوچ‌های ایران و پاکستان، فعالیت می‌کند.

نکته‌ی جالب توجه در این کتاب، تفاوت شیوه‌ی فصل‌بندی آن با اغلب شیوه‌های معمول است. همان‌طور که مؤلفان نیز در بخش مقدمه ذکر کرده‌اند، کتاب، اساساً یک پیکره است که با هدف مستندسازی رفتار زبانی و سبک زندگی گالش‌های روستای زیارت و فراهم‌آوردن متون مورد نیاز برای مطالعات آینده گردآوری شده است (ص ۱۶). بنابراین کتاب در واقع، فصل‌بندی نشده است، بلکه شاکله‌ی اصلی آن را متن پنج مصاحبه تشکیل می‌دهد ولی پیش از ارائه‌ی این متون، به مطالب و بخش‌های دیگری نیز پرداخته شده است که در مجموع، شصت و دو صفحه را دربرمی‌گیرند و عبارتند از: «مقدمه»، «مقدمه‌ای پیرامون گویش زیارتی»، «منابع مفیدی برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه»، «نقشه‌ها» و همچنین «عکس‌هایی از منطقه‌ی زیارت». در ادامه، متون مربوط به پنج مصاحبه‌ی اصلی که پیکره‌ی زبانی گونه‌ی زیارتی را تشکیل می‌دهند، در بیش از دویست صفحه ارائه شده است. در ابتدای هر یک از مصاحبه‌ها اطلاعات مربوط به آن، از جمله مشخصات مصاحبه‌شونده، زمان و مکان مصاحبه، افراد حاضر در محل مصاحبه، مقدمه‌ای کوتاه برای معرفی حرفه و سبک زندگی مصاحبه‌شونده و همچنین موضوع مصاحبه قید شده است. سپس پیکره‌ی زبانی شامل متون واج‌نگاری شده و ترجمه‌های انگلیسی آنها ارائه شده است. ترجمه‌های فارسی مصاحبه‌ها در بخش فارسی کتاب قابل دسترسی هستند. در ادامه‌ی متون پیکره‌ی زبانی، سه پیوست شامل دو متن آوانگاری شده، واژه‌نامه و یادداشت‌هایی

درباره فراداده‌ها^۱ قرار دارد. پیوست شماره ۱، حاوی دو متن آوانگاری شده است که با دو شیوه استفاده از الفبای بین‌المللی آوانگاری و شیوه دیگری که به صورت قراردادی برای پژوهش‌های زبان‌شناختی در مورد زبان‌های ایرانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، آوانگاری شده‌اند. پیوست شماره ۲، واژه‌نامه‌ای حاوی واژه‌های متون، به جز اسامی خاص، وندها و واژه‌بست‌هاست. علاوه بر این، فایل‌های صوتی مصاحبه‌ها و یک فیلم با زیرنویس انگلیسی درباره سبک زندگی و تعدادی عکس از روستا نیز در لوح فشرده ضمیمه کتاب قابل مشاهده است که اطلاعات مربوط به آن در پیوست شماره ۳ ارائه شده است. به‌نوشته مؤلفان، پیکره متون، فایل‌های صوتی و عکس‌ها در سال ۲۰۱۰ در آرشیو زبان‌های در معرض خطر مدرسه مطالعات مشرق‌زمین و افریقا در لندن^۲ قرار داده شده است.

بخش‌های انگلیسی و فارسی کتاب دارای دو مقدمه مجزا هستند که اگرچه برخی از مطالب و اطلاعات اصلی آنها یکسان است اما مقدمه فارسی کم‌حجم‌تر و مقدمه انگلیسی دقیق‌تر، پربارتر و حاوی مطالب مفصل‌تری در مورد سبک زندگی گالش‌ها و همچنین اهداف، نحوه اجرا و نتایج پژوهش است، تاحدی که به اعتقاد نگارنده این نوشتار، می‌توان آن را کتابچه‌ای مجزا و کامل دانست که اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

چنان‌که در مقدمه انگلیسی (ص ۱۳) آمده است موضوع این پژوهش برای نخستین بار در یک همایش زبان‌شناختی در اوپسالا و در پاسخ به این پرسش مهم مطرح شده بود که آیا گله‌داران گالش ساکن ارتفاعات شمال ایران، یک گروه قومیتی هستند یا یک گروه اجتماعی-اقتصادی؟ و آیا آنها زبان مجزایی دارند یا در مناطق مختلفی که زندگی می‌کنند به گونه‌ای از زبان محلی آن مناطق، سخن می‌گویند؟

به‌نوشته نگارندگان کتاب، در برخی از پژوهش‌های منتشرشده در ایران (برای نمونه پژوهش رنجبر و رادمرد در سال ۱۳۸۲) از واژه «گویش گالشی» استفاده شده بود. بنابراین برای کشف هویت واقعی و گونه یا گونه‌های زبانی مورد استفاده این گروه، پژوهش دیگری برنامه‌ریزی شد. چنان‌که در ابتدای بخش انگلیسی کتاب (شکری و همکاران، همان: ۹) آمده است، اعتبار اولیه

1. metadata

2. Endangered Languages Archive, School of Oriental and African Studies (SOAS), London.

مورد نیاز برای اجرای پژوهش مقدماتی^۱ در سال ۲۰۰۸، از طرف پروژه زبان‌های در معرض خطر هانس راسینگ^۲ در مدرسه مطالعات مشرق‌زمین و افریقا در لندن تأمین شد. عنوان این پروژه تحقیقاتی «مستندسازی زبان و سبک زندگی گالش‌ها در استان گلستان ایران»^۳ بود.

گروهی که با نام «گالش» شناخته می‌شوند، دامدارانی در کوهستان‌های البرز واقع در استان‌های شمالی ایران (گیلان، مازندران و گلستان) هستند. تخمین جمعیت آنها کار بسیار دشواری است اما احتمال می‌رود چندین هزار نفر از آنها از کوهستان‌های تالش در شمال غرب تا گرگان در شرق زندگی کنند. بدین ترتیب گالش‌ها به‌وسیله گویشوران زبان‌های تالشی، گیلکی و مازندرانی (همگی زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی) احاطه شده‌اند. گالش‌ها دامدارانی هستند که عمدتاً گاو و در گیلان گوسفند نیز پرورش می‌دهند (ص ۱۳).

در مقدمه انگلیسی همچنین ضمن اشاره به دیگر پژوهش‌های انجام‌شده درباره گالش‌ها (برجیان و برجیان، ۲۰۰۸؛ رنجبر و رادمرد، ۱۳۸۲؛ به‌نقل از کیا، ۱۳۲۶: ۷۹) آمده است: واژه «گالش» به‌معنای «نگهدارنده و محافظ گاو» است که از لحاظ ریشه‌شناختی، جزء اول آن کلمه «گاو» (فارسی) و «گو» (مازندرانی) است و جزء دوم آن نیز به‌نوشته چئونگ^۴ (۲۰۰۷: ۱۹۶)، عنصری است که امروز در کلمه «لشکر» دیده می‌شود که صورت ناهمگون‌شده‌ای از کلمه raxša-kara و از ریشه raxš به‌معنای محافظت و دفاع‌کردن است. در مازندران این واژه فقط به گاوداران اطلاق می‌شود. این گروه، پیشتر نوعی زندگی کوچ‌نشینی و از نظر جنسیتی تفکیک‌شده داشتند. زنان و کودکان در نزدیک‌ترین روستا ساکن می‌شدند و فقط مردان در جستجوی مراتع فصلی جدید، به محل کار خود می‌رفتند (ص ۱۴).

در ادامه این بخش توضیحات کاملی درباره محل اجرای پژوهش داده شده است. بر این اساس، روستای گالش‌نشین زیارت در دامنه‌های شمالی رشته‌کوه البرز شرقی و حدود ۲۰ کیلومتری جنوب گرگان واقع شده است. به‌نوشته مؤلفان، هدف از انتخاب این منطقه یافتن پاسخی برای این سؤال بوده است که آیا گالش‌های اطراف گرگان به یکی از زبان‌های محلی سخن می‌گویند یا زبان خاصی دارند که شاید بتوان آن را زبان گالشی نامید. در سال ۱۳۸۵

1. pilot project

2. Hans Rausing Endangered Languages Project

3. Documentation of the Language and Lifestyle of the Galesh, Province of Golestan, Iran.

3. J.Cheung

هجری شمسی (۲۰۰۶-۲۰۰۷ میلادی) حدود ۲۰۰۰ نفر در روستای زیارت زندگی می‌کردند.^۱ این روستا که به دلیل داشتن آب و هوای سرد و خشک، منطقه‌ی محبوبی برای ساختن ویلاها و خانه‌های تابستانی است، امروزه بر اثر مجاورت با شهر گرگان به سرعت در حال دگرگونی است، روندی که می‌تواند در آینده نزدیک منجر به از بین رفتن تمام ویژگی‌های روستایی و فرهنگی منطقه، از جمله گویش ساکنان آن، شود. معیشت گالش‌ها، به دلیل مدرن شدن جامعه، به شدت در معرض خطر قرار گرفته و آنها در حال ترک سبک زندگی گله‌داری سنتی و مقیم شدن و اشتغال به کارهای کشاورزی و ساخت‌وساز هستند.

به نوشته مؤلفان، در شهر گرگان فارسی زبان غالب است اما در روستاهای اطراف شهر، گویش‌هایی از زبان مازندرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. سالمندان روستا اغلب بی‌سوادند ولی بسیاری از آنان تاحدی با زبان رسمی (فارسی) آشنایی دارند. افراد جوان‌تر نیز، به‌رغم تسلط کامل بر زبان فارسی، با زبان محلی خود کاملاً آشنا هستند. گالش‌ها خود را مازندرانی می‌دانند اما زبان مادری خود را یک گونه مجزا به نام «زیارتی»، و نه «گالشی» یا «مازندرانی» و نه حتی «گرگانی»، می‌نامند. برخی آن را «یک زبان روستایی» می‌خوانند، به این معنا که آن را با یک سبک زندگی روستایی مرتبط می‌دانند. بسیاری از جوان‌ترها تمایل دارند این سبک زندگی روستایی را با سبک زندگی شهری‌تر عوض کنند و ترجیح می‌دهند به زبان فارسی صحبت کنند، زبانی که نشانه پیشرفت و شهری شدن است. گویش زیارتی گونه نوشتاری ندارد و حتی مازندرانی که زیارتی را می‌توان گویشی از آن نامید و خود توزیع جغرافیایی گستره‌تری، عمدتاً در استان‌های مازندران و گلستان، دارد نیز غالباً غیر نوشتاری است.

یکی از روش‌های مناسب برای مستندسازی زبان‌ها، ضبط داستان‌های افراد است. چنان‌که در بخش دیگری از مقدمه انگلیسی کتاب درباره شیوه کار توضیح داده شده است (ص ۱۵)، گیتی شکری و حسین بارانی برای ضبط مصاحبه‌ها در سه نوبت مختلف به منطقه زیارت رفته‌اند و بدون استفاده از پرسش‌نامه از پیش طراحی شده و در جریان بحث‌های آزاد در مورد مسائل گوناگون، تعداد زیادی مصاحبه را، با بیش از ده گویشور، ضبط کرده‌اند که از میان آنها پنج مصاحبه برای واج‌نگاری و ترجمه انتخاب شده است. گویشوران این تحقیق از میان افرادی انتخاب شده‌اند که یا خود کار گالشی کرده بودند یا به‌طریقی درگیر این سبک زندگی بودند.

4. <http://ziaravillage.blogfa.com>

مسائل مختلفی نظیر مشاغل سنتی، نحوه کار در جنگل، کار گروهی و مسئولیت هریک از افراد، قوانین جدید و تأثیر آنها بر زندگی گالش‌ها، نقش زنان در زندگی، مراسم مختلف نظیر مراسم مربوط به ازدواج، زایمان و مرگ، درمان‌های محلی و کاربرد گیاهان دارویی، موضوع بحث‌های آزاد را تشکیل می‌دادند. گیتی شگری این پنج مصاحبه را طراحی و اجرا کرده و حسین بارانی به‌عنوان همراه و برای تبعیت از سنت منطقه، فقط در جریان مصاحبه با دو گویشور مرد، حضور داشته است. مصاحبه‌ها به زبان مازندرانی انجام شده‌اند. البته، همان‌گونه که مؤلفان نیز اذعان کرده‌اند، کاملاً محتمل است که گویشوران تاحدودی تحت تأثیر گونه مازندرانی مورد استفاده مصاحبه‌گر قرار گرفته باشند.

چنان‌که می‌دانیم، یکی از مشکلات روش مصاحبه، «پارادوکس مشاهده‌گر»^۱ نامیده می‌شود که در بسیاری مواقع اجتناب‌ناپذیر است. به‌نوشته لباو^۲ (۱۹۷۲: ۲۰۹)، هدف از پژوهش‌های زبان‌شناختی باید پی‌بردن به این موضوع باشد که افراد، وقتی به‌صورت نظام‌مند مورد مشاهده واقع نمی‌شوند، چگونه سخن می‌گویند. با وجود این، ما فقط از طریق مشاهده نظام‌مند به این اطلاعات دست می‌یابیم. برای کاهش این مشکل، مصاحبه‌گر تلاش کرده است تا با تأکید مداوم بر این موضوع که در حال یادگیری زبان است و می‌خواهد اطلاعاتی درباره زبان و سنت‌های محلی کسب کند، تأثیر گونه مازندرانی مورد استفاده خود را بر روی گویشوران کاهش دهد. چنان‌که در توضیحات مربوط به شیوه ضبط مصاحبه‌ها در مقدمه اشاره شده است، هیچ‌یک از مصاحبه‌شوندگان مشکلی در فهم و درک سؤالات مصاحبه‌نداشتند. با این حال، اغلب به تفاوت گونه زبانی خود با گویش مورد استفاده گیتی شگری اشاره می‌کردند. پس از ضبط مصاحبه‌ها، در مورد واژه‌ها و عباراتی که تشخیص آنها، به‌دلیل سرعت تلفظ، دشوار بود، از یک گویشور تحصیل‌کرده آشنا به این گونه زبانی کمک گرفته شد.

به‌نوشته نگارندگان کتاب، در این گونه زبانی واژه‌ها و عبارات بسیاری برای کشاورزی، فرایند تولید لبنیات و حیواناتی که نگهداری می‌شوند وجود دارد. همچنین تقویم مخصوصی براساس هم‌زیستی انسان و حیوان در این منطقه از ایران وجود دارد که برطبق آن، سال به دوازده ماه یا چهار فصل تقسیم نمی‌شود بلکه وضع دام‌ها، چراگاه‌ها و... معیار تقسیم‌بندی

1. Observer's paradox
2. W. Labov

دوره‌های زمانی سال است. بنابراین برای به‌دست‌آوردن تصویر کاملی از فرهنگ و اقتصاد گالش‌ها، بازدید از منطقه در فصول مختلف یک سال، حائز اهمیت بوده است.

بخش بعد با عنوان «مقدمه‌ای کوتاه درباره گویش مازندرانی زیارتی» خود به دو قسمت «واج‌شناسی» و «نکات دستوری» تقسیم شده است. نویسندگان در قسمت «واج‌شناسی» با دقتی مثال‌زدنی، به معرفی نظام آوایی (واکه‌ها و همخوان‌ها)، توصیف انواع آنها و همچنین موارد استثنا می‌پردازند. در این قسمت برای آنچه گونه زیارتی نامیده شده است (ص ۱۳ مقدمه فارسی)، شش واکه و بیست‌وسه همخوان معرفی شده که مختصات دقیق آنها در جدول واکه‌ها و همخوان‌ها (ص ۱۹) قابل مشاهده است. در ادامه این جدول‌ها نیز توصیف تنوع‌های رایج در تلفظ واکه‌ها و همخوان‌ها در شرایط مختلف به‌دقت توضیح داده شده است (ص ۲۰).

مؤلفان کتاب، هدف از بخش «نکات دستوری» را ارائه اطلاعات مختصری درباره برخی از مشخصه‌های واژی-نحوی گویش زیارتی عنوان کرده‌اند (ص ۲۰). در این بخش به سه موضوع «صرف اسم‌ها و نحو گروه‌های اسمی»، «صرف فعل و نحو گروه‌های فعلی» و «یادداشت‌هایی پیرامون نحو در دو سطح عبارات و جملات» پرداخته شده است. در هریک از این قسمت‌ها نیز ضمن ارائه توصیف‌هایی دقیق و اشاره به برخی جزئیات و موارد مهم استثنا در این پیکره زبانی، تعدادی از موارد قابل توجه با زبان‌های مازندرانی و فارسی مقایسه و نمونه‌هایی از تأثیرپذیری گویش زیارتی از این دو زبان ذکر شده است. البته کاملاً طبیعی است که تمام صورت‌های مختلف صرفی و نحوی این گونه زبانی، در پیکره گردآوری شده قابل ردیابی نیستند اما چنان‌که به‌نظر می‌رسد، این پیکره، حاوی بخش اعظم تنوع‌های موجود است که از نقاط قوت آن محسوب می‌شود.

در بخش «یادداشت‌هایی پیرامون نحو در دو سطح عبارات و جملات» (ص ۴۸) به نکاتی درباره ترتیب کلمات (فاعل، مفعول و فعل) در گویش زیارتی و موارد تغییر این ترتیب، اشاره شده است. به‌نوشته نگارندگان، هرچند این گونه زبانی، ارگتیو نیست، اما بقایایی محدود از وجود یک ساخت کهن ارگتیو در آن به‌چشم می‌خورد که به آنها اشاره شده است (صص ۵۰-۴۹). چنان‌که در انتهای این بخش آمده است، با اینکه مازندرانی زیارتی به‌شدت تحت تأثیر زبان فارسی است و این تأثیر در تمام سطوح صرفی، نحوی و واژگانی این گویش مشاهده

می‌شود (ص ۵۲)، ولی همچنان هویت مازندرانی خود را حفظ کرده که به‌ویژه در نظام فعلی آن به‌روشنی قابل مشاهده است.

به‌موجب نتایج این پژوهش، گویش زیارتی گونه‌ای از مازندرانی است که با تاتی، تالشی، گیلکی، سمنانی، کردی و بلوچی هم‌خانواده است. همچنین ردّ پای لهجه خراسانی را نیز در این گویش می‌توان مشاهده کرد (صص ۱۵ و ۱۶ مقدمه فارسی). نکته جالب توجه دیگر این است که در جامعه مورد مطالعه، هیچ اشاره‌ای به زبان گالشی نمی‌شود و واژه گالش در سراسر متون گردآوری شده، فقط به شغل مردان گاودار اطلاق می‌شود و به‌عنوان واژه‌ای برای نامیدن جامعه آنها به‌کار نمی‌رود (ص ۱۴).

همان‌طور که بارانی (۱۳۸۲) اشاره کرده است، گالش‌ها در حال حاضر یک گروه اجتماعی-اقتصادی هستند که سبک زندگی سنتی آنها به‌سرعت در حال امروزی‌شدن و نابودی و مستندسازی آن ضروری است (ص ۱۷). تصویر روی جلد بخش انگلیسی به‌خوبی نشان‌دهنده رویارویی سنت و مدرنیته (عنوان انگلیسی کتاب) است. همچنین کیفیت خوب کاغذ مورد استفاده در چاپ کتاب و استفاده از عکس‌های رنگی به غنا و تنوع بصری آن افزوده است و انگیزه مطالعه اثر را در مخاطب تقویت می‌کند.

دقت در نگارش کتاب در بخش‌های مختلف، قابل مشاهده است. برای نمونه، ترجمه‌های انگلیسی در برخی موارد، حاوی نکات اضافه‌ای برای درک بهتر مطلب هستند. همچنین تعداد زیادی پانویس توصیفی برای ترجمه‌های انگلیسی ارائه شده است. به‌نوشته مؤلفان، املاي اسامی جغرافیایی نیز، در ترجمه‌های انگلیسی، به‌نحوی است که تا حد ممکن تلفظ دقیق محلی را نشان دهد.

تعهد پژوهشگران به رعایت اخلاق پژوهشی نیز از نکات بسیار ارزشمندی است که مصادیق آن در این اثر دیده می‌شود. چنان‌که در مقدمه آمده است، از تمام شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها اجازه انتشار کل مصاحبه‌ها گرفته شده است و اگرچه برای نشان‌دادن پویایی مکالمه‌ها، مصاحبه‌ها به‌صورت ویرایش‌نشده با درنگ‌ها، تکرارها و... منتشر شده‌اند ولی مؤلفان، برای احترام به حریم شخصی گویشوران، برخی جزئیات را، که محتوای خصوصی‌تری داشته‌اند، از نسخه نهایی حذف کرده‌اند.

هرچند با توجه به دانش و تجربه مؤلفان کتاب، گردآوری و تألیف چنین اثر باارزشی دور از انتظار نبوده است، اما به نظر می‌رسد این کتاب نیز از گزند اشتباهات تایپی در امان نمانده است، چنان‌که در یک مورد، نام همکار فیلم‌بردار در مقدمه کتاب (ص ۱۸)، جواد امیری (Javad Amiri) و در پیوست شماره ۳ (ص ۳۲۳) جواد عمیقی؟ (Javad Amighi) ذکر شده است. در موردی دیگر نیز، در جدول شماره ۴ (ص ۲۸) که به حالت‌های مختلف مقولات اشاره‌ای دور و نزدیک می‌پردازد، صورت اشاره جمع نزدیک برای حالت مفعولی /emāre/ ذکر شده است. با توجه به این‌که نویسنده نوشتار پیش رو، خود گویشور یکی از گویش‌های زبان مازندرانی است، به نظر می‌رسد در این مورد /ināre/ یا /ināne/ به صورت صحیح این حالت، نزدیک‌تر باشند.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، انتخاب دو عنوان متفاوت برای بخش‌های انگلیسی و فارسی کتاب است که دلیل آن هم به روشنی مشخص نیست و ممکن است تاحدی پژوهشگران راه، در استناد به این اثر، دچار مشکل کند. اگرچه با توجه به محتوای انگلیسی کتاب و درج پیکره زبانی در قسمت انگلیسی، ظاهراً باید در این مورد، عنوان انگلیسی را ملاک قرار داد، ولی در متونی مانند نوشتار حاضر که به زبان فارسی نوشته می‌شوند، این موضوع اندکی تردیدآفرین به نظر می‌رسد.

نکته دیگر اینکه هرچند استفاده از دو شیوه آوانگاری برای متون گردآوری شده، نشان‌دهنده توجه مؤلفان کتاب به پژوهشگران ایرانی و روش‌های رایج در پژوهش‌های آنها و از نقاط قوت کار است، اما دلیل به‌کارگیری شیوه قراردادی ایرانی برای مطالب مندرج در مقدمه، و الفبای آوانگاری بین‌المللی برای مطالب پیوست ۱، به روشنی مشخص نیست. همچنین به‌نوشته مؤلفان، شیوه آوانویسی ایرانی برای معرفی واژه‌های گویش زیارتی مورد استفاده قرار گرفته است (ص ۱۷)، در حالی که ظاهراً همخوان‌های این گونه زبانی نیز به همین شیوه آوانویسی شده‌اند (ص ۲۰).

همچنین با توجه به حجم زیاد مطالب کتاب و وجود دو بخش انگلیسی و فارسی و همچنین پیکره‌های پر حجم زبانی، به نظر می‌رسد شماره‌بندی عناوین و سرفصل‌های هر بخش و اختصاص سرفصله، به‌ویژه در بخش مربوط به پیکره‌های زبانی و مصاحبه‌ها، می‌توانست خوانندگان را در یافتن و پیگیری مطالب موردنظرشان یاری کند.

بدیهی است نگارندگان کتاب تلاش کرده‌اند تا علاوه بر فراهم کردن یک منبع ارزشمند پژوهشی در سطح بین‌المللی، حاصل کار، برای پژوهشگران ایرانی نیز قابل استفاده باشد زیرا یکی از مهم‌ترین دلایل ضمیمه کردن بخش فارسی به کتاب، ایجاد امکان مطالعه آن برای فارسی‌زبانان، و به‌ویژه گویشوران گونه زبانی، ذکر شده است (ص ۱۵ مقدمه فارسی). با وجود این، قلم فارسی مورد استفاده در کتاب، چندان مناسب به نظر نمی‌رسد که شاید دلیل آن، چاپ اثر در خارج از ایران و محدودیت دسترسی به قلم‌های متداول در چاپ کتاب‌های فارسی باشد. نکته آخر اینکه تعدادی از مطالعات معتبر زبان‌شناختی (مانند دبیرمقدم، ۱۳۸۷) مازندرانی را یک زبان مستقل دانسته‌اند، در حالی که در مقدمه فارسی این کتاب، از آن با نام گویش مازندرانی یاد شده است.

در پایان می‌توان گفت گالش‌ها در گذر زمان اثر بسیار ارزشمندی در حوزه مستندسازی سبک زندگی و گویش گالش‌های منطقه زیارت به‌عنوان یکی از گونه‌های زبانی در معرض خطر ایران به‌شمار می‌رود. پیکره گردآوری شده در این کتاب، علاوه بر اینکه توانسته است به برخی از پرسش‌های زبان‌شناختی مؤلفان پاسخ دهد (ص ۱۷) و در حوزه زبان‌شناسی همگانی، منبع بسیار خوبی برای تحقیقات آینده درباره زبان‌های ایرانی فراهم کند، به‌عنوان گنجینه‌ای گران‌بها از داده‌های پژوهشی برای مطالعات جامعه‌شناختی زبان و پژوهش‌های مردم‌شناختی نیز بسیار سودمند است. مؤلفه‌های فرهنگی، سنتی، اجتماعی و اقتصادی موجود در این پیکره برای هر محقق، با هر سطحی از دانش، قابل استفاده است و «هر آنچه که پژوهشگران این طرح در تحقیقات خود به آن نرسیده‌اند یا نتوانسته‌اند تحلیل کنند، برای دیگران، چه در حال و چه در آینده، در دسترس خواهد بود».

فاطمه عامریان^۱

کارشناس ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع

- بارانی، حسین (۱۳۸۲). بررسی مبانی فرهنگ مرتعداری در بین گله‌داران البرز شرقی. پایان‌نامه دکتری منتشر نشده. دانشگاه تهران.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی». *ادب‌پژوهی*، ش ۵، ۹۱-۱۲۸.
- رنجبر، محمود و رقیه رادمرد (۱۳۸۲). بررسی و توصیف گویش گالشی. رشت: نشر گیلکان.
- کیا، محمدصادق (۱۳۲۶). *واژه‌نامه طبری*. تهران: انجمن ایرانویج.
- محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۸۹). «مستندسازی و بررسی گویش‌های ایرانی به‌عنوان میراث فرهنگی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ش ۲، ۸۵-۱۰۳.
- مدرّسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- Borjjan, H. and M. Borjjan (2008). "The Last Galesh Herdsman: Ethno-Linguistic Materials from South Caspian Rainforests". *International Journal of Iranian Studies*, 41 (3): 365-402.
- Cheung, J. (2007). *Etymological Dictionary of the Iranian Verb* [Leiden Indo-European Etymological Dictionaries Series, 2]. Leiden-Boston: Brill.
- Crystal, D. (2000). *Language Death*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fasold, R. (1984). *The Sociolinguistics of Society*. Oxford: Blackwell.
- Grimes, B. F. (2002). "Global Language Viability". http://www.sil.org/sociolx/ndg-lg-grims_article.html.
- Himmelmann, N. (1998). "Documentary and Descriptive Linguistics". In *Linguistics* 36: 161-195.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Shokri, G.; C. Jahani, & H. Barani (2013). *When Tradition Meets Modernity*. Uppsala: Uppsala University.